

تلنگر

نگاهی به یک حضور متفاوت

عراقچی و دیپلماسی عمومی

چرا وزیر خارجه کشورمان یک هفته قبل از سقوط دولت در سوریه در دمشق به رستوران می‌رود؟ خوردن این شاورمای سوری چه پیامی در دنیای دیپلماسی داشت. بیاید با هم این رستوران رفتن را مرور کنیم. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ۱۱ آذرماه به سوریه سفر کرد در حالی‌که خبرها حاکی از فضای امنیتی و شرایط کودتا در دمشق بود. او در مورد آن سفر نوشت که «پیام حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از کشور و مردم سوریه و شخص بشار اسد را به رئیس جمهور سوریه منتقل کردم»، اما بعد از آن ملاقات‌نه چندان گرم، به رستورانی در محیط شهری دمشق رفته و در آنجا شام خورد. عمدتا وقتی در یک فضای تنش آلود سیاسی و نظامی، مقامی سیاسی یا دیپلماتیک در محیطی شهری دیده می‌شود قصد دارد پیامی دیپلماتیک مخابره کند. پیامی حاکی از آرامش و امنیت در فضای کشور میزبان. اما سر میز شام هیات ایرانی مردی که خود را استاد دانشگاه از حلب معرفی می‌کند با آنها وارد صحبت می‌شود و عراقچی از او وضعیت حلب را می‌پرسد و او می‌گوید که شرایط در حلب خوب نیست و ترویس‌ها پیشروی فاغلگیرانه‌ای داشته‌اند. در شرایطی که گفتند در دمشق کودتا شده ایشان این سفر را رفت و حتی در میدان و خیابان حضور پیدا کرد. مسئولانه به ترکیه رفت. برای این که ترکیه حامی اصلی معارضین و مخالفین بود معلوم بود که آقای عراقچی سفر سختی خواهد داشت. مشخص بود که در تهران خیلی‌ها مخالفت خواهند کرد. ترکیه‌ای که حامی ترویس‌هاست می‌خواهد به او یا دست خالی چه بگوید؟ ولی الاّن نشان می‌دهد که آن سفر مسئولانه بود چون کمک کرد تا منافع ما در سوریه یا حفظ شود و یا از آسیب بیشتر جلوگیری شود.

◀ پیام یک حضور

علی موجانی، پژوهشگر در مورد رفتار عراقچی در سوریه این تفسیر را دارد: «به نظرم ایشان با آقای اسد ملاقات کرد و گفت‌وگوهای مهمی در آنجا رخ داده است و وقتی کاخ ریاست جمهوری را ترک کرد یک تصمیم بزرگ گرفت که در مرداد ۱۴۰۰ هم چنین تصمیمی در مورد افغانستان گرفتیم. وقتی بود که مقام معظم رهبری گفتند دولت‌ها می‌آیند و می‌روند و مردم می‌مانند. دکتر عراقچی می‌توانست در هواپیما شامش را بخورد. حتما می‌توانست در آنکارا شام بخورد یا نخورد. این حضور سمبولیک بعد از خروج از کاخ آقای اسد که شاید ضیافت شام رسمی هم می‌توانستند به او بدهند، همبظور رفتنش در رستورانی که مردمی است و در وسط شهر دمشق است و نشان دادن این ارتباط، نشان دادن یک پیام جدی بود که برای ما مهم حاکمیت‌ها در سوریه نیستند. برای ما مهم مردم سوریه هستند. برای ما مهم انسان‌هایی هستند که در طبقه جامعه مسلمانان هم‌کیش ما قرار دارند. فارغ از تنوع قومی و زبانی و مذهبی آنها.» او اضافه کرد: «وقتی هیات دیپلماتیک به جایی می‌رود هر تولید خبری که رخ می‌دهد حامل یک فکری و برنامه است. فیلمی از رستوران رفتن آقای عراقچی منتشر شد که فردی کنار میزشان آمد و گفت من یک مهندس هستم و از حلب آمدم. آقای دکتر عراقچی گفت وضعیت حلب چطور است؟ گفت خیلی بد است. می‌توانست آن فیلم پخش نشود. می‌خواست این پیام بدیده که وضعیت بهم ریخته است و ما این را می‌دانیم.» هادی برهانی اضافه می‌کند که «به طور کلی من این سفر آقای عراقچی به سوریه و ترکیه را یک اقدام مثبت و سازنده می‌دانم. از این جهت که به ایران اجازه داد که اولاً اوضاع را از نزدیک ببیند. به نظرم اینکه ایران این بار وارد نشد و دخالت نکرد و جای خوب شد که این کار را کرد، محصول این تجربه بود. بعد سفرش به ترکیه و گفت‌وگو با آنکه حامی اصلی مخالفین مسلح بود به نظر من هم تأثیر داشت که منافع ما در سوریه مورد هدف قرار نگردد و سفیر ما آسیب نبیند و دیپلمات‌های ما در امان باشند و شیعیان برایشان اتفاقی نیفتند و در مجموع جرم... اینها به نظرم دیپلماسی که آقای عراقچی داشتند کمک کرد تا منافع ما در سوریه خیلی مورد آسیب قرار نگردد با تحولات برق آسانی که رخ داد.» موجانی معتقد است: «شبی که ایشان داشت می‌رفت اعلام شد که در دمشق کودتا رخ داده است. یک مقام امنیتی کودتا کرده است و درگیری نظامی هم هست و در حومه دمشق درگیری نظامی می‌شود. همین‌که یک وزیر خارجه جرأت می‌کند وارد شهر کودتازده می‌شود یعنی نشانه‌هایی از امنیت دارد. این خودش کافی است. ضرورتی ندارد در خیابان قدم برند یا در رستوران برود. به توییט آقای عراقچی توجه کنید. می‌گوید من در یک پرواز نادر از دمشق به آنکارا می‌روم. ۱۳ سال است که بین این دو (سوریه و ترکیه) هیچ‌گونه پروازی نیست. پس دیپلماسی حرکت می‌کند. اینجا به نظرم ایران دو نشانه داد. نشانه اول اینکه از کاخ حاکمیت به بستر جامعه رفت و در کنار مردم نشست. یعنی انتخاب من مردم است. دوم نشان داد که اقدام بعدی من و گام عملی من میانجی‌گری و از کانال دیپلماسی است. نه از ابزار نظامی یا سیاسی به عنوان موضع گرفتن عمل نمی‌کنیم. عمل‌گرایانه وارد صحنه شدیم و در یک اقدام نادر از این نقطه به آن نقطه رفتیم تا نشان دهیم ظرفیت میانجی‌گری و دیپلماسی برای انتقال نرم قدرت داریم به طوری که ثبات و امنیت به هم نخورد و مردم به زحمت بیشتری نخوردند... برگردیم به ۱۳ سال قبل. همه نگران بودند و هنوز هم نگرانند که خسونت‌هایی که آن زمان رخ داد دوباره تکرار شود. چرا این بار تکرار نشد؟ فقط انضباط و تحفظ آقای جولانی و احراز الشام نیست. یک مجموعه تصمیمات مهم سیاسی گرفته شد و یک تغییراتی رخ داد که کمترین هزینه را داشته باشد. وگرنه می‌توانست از همان لحظه اول تبدیل به یک جنگ شود».

نصراً... تاجیک در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

سرمستی ناشی از پیروزی در سوریه ممکن است باعث اشتباه محاسباتی شود



ایران باید الگوی رفتاری خود را در سوریه

از نظامی به اقتصادی تغییر دهد

ترکش‌های اتفاقات سوریه ممکن است

به ایران برخورد کند

دوشنبه
۰۹.۰۲.۱۴۰۳
۱۴ فروردین‌الثانی ۱۴۴۴
۱۶ دسامبر ۲۰۲۴

سال پنجم

شماره ۱۹۹۷

armanmeli.ir



سوریه تحمیل شده نیز یک وضعیت طبیعی نیست و بیشتر شبیه سزارین است تا زایمان. در واقع شرایط به شکلی است که چالش‌های موجود در سوریه به شکلی جدی است که نمی‌توان شرایطی را تصور کرد که ترکش‌های آن به کشورهای دیگر منطقه برخورد نکند. عراق به دلیل مرز مشترک زمینی که با سوریه دارد از شرایطی برخوردار است که ممکن است تحت تأثیر اتفاقات سوریه قرار بگیرد. این وضعیت ممکن است برای یمن نیز یا توجه به تنش‌هایی که با اسرائیل دارد وجود داشته باشد. ترکش‌های اتفاقات سوریه ممکن است حتی به ایران نیز برخورد کند. «در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی – احسان انصاری: دکتر نصراً... تاجیک دیپلمات پیشین است که در گذشته سفیر ایران در اردن و مشاور وزیر امور خارجه در امور خاورمیانه بوده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی آینده جامعه سوریه با دکتر تاجیک گفت‌وگو کرده است. وی معتقد است: «به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی که سوریه دارد و اهداف و منافع بازیگران متعددی که در مسائل سوریه دخالت دارند ما با سرزمینی ایزوله و ساده مواجه نیستیم و این احتمال وجود دارد که اتفاقات در سوریه به شکلی رقم بخورد که بسیاری از کشورهای منطقه را درگیر کند. به عبارت دیگر می‌توان عنوان کرد زایمان سوریه راحت و آسان نیست. من معتقدم این زایمانی که امروز بر

◀ با توجه به اتفاقاتی که در سوریه رخ داده چه آینده‌ای پیش روی این کشور خواهد بود؟

هنوز نمی‌توان هیچ چشم‌اندازی برای سوریه متصور شد و تنها چیزی که وجود دارد ابهام و تیرگی در اراق پیش‌رو است. من فکر می‌کنم مردم سوریه روزهای سختی را پیش‌رو خواهند داشت. البته در شرایط کنونی مردم سوریه از سقوط دولت اسد خوشحال هستند و امیدوارند که روزهای خوبی برای آنها رقم بخورد. ما نیز امیدواریم روزهای خوبی در انتظار مردم سوریه باشد. اما به دلیل تعدد بازیگران داخلی و خارجی و تعدد منافع و اهداف مختلف بازیگران نباید به نظر می‌رسد بتوان تحلیل دقیقی از سناریوهای محتمل ارائه داد. به عنوان مثال اسرائیل از همان ابتدای سقوط اسد به صورت مداوم در حال حمله به زیرساخت‌های سوریه است و تاکنون ۹۰ درصد زیرساخت‌های نظامی سوریه را نابود کرده‌است. از سوی دیگر ادوگان اعلام می‌کند تقسیم بندی که پس از جنگ جهانی صورت گرفته عادلانه نبوده و برخی مناطق شمال غربی سوریه مانند حمص، حلب و ادلب که در سوریه قرار گرفته باید در خاک ترکیه باشد. این چشمداشت‌های سرزمینی بعید است سوریه را به ثبات و آرامش برساند. در شرایط کنونی اسرائیل در جنوب و جنوب غربی در حال تکراری است و شمال و شمال غرب سوریه نیز مورد طمع ترکیه است و غرب سوریه یعنی منطقه دیرالزور و چاه‌های نفتی که در این منطقه وجود دارد همواره مورد توجه آمریکا بوده‌است. این در حالی است که موضوع کردها و مطالباتی که دارند نیز در آینده سوریه جدی است. به همین دلیل سوریه با وضعیت چهل‌تکه‌گی مواجه است و بعید به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت به ثبات و آرامش برسد. برخی که بدبینانه به مسائل سوریه نگاه می‌کنند از خطر تجزیه سوریه صحبت می‌کنند و در مقابل برخی نیز عنوان می‌کنند وضعیت کنونی در آینده نیز وجود خواهد داشت. این در حالی است که با توجه به شرایط موجود انسجام و وحدت سرزمینی سوریه محل تردید است و بعید به نظر می‌رسد شرایط به همین صورت ادامه پیدا کند.

◀ به دلیل اینکه بنیادگرایان فاتح دمشق دارای آرمان‌های فرامرزی هستند به چه میزان این احتمال وجود دارد که درگیری‌های احتمالی در سوریه به کشورهای دیگر منطقه نیز سرایت پیدا کند؟

به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی که سوریه دارد و اهداف و منافع بازیگران متعددی که در مسائل سوریه دخالت دارند، ما با سرزمینی ایزوله و ساده مواجه نیستیم و این احتمال وجود دارد که اتفاقات در سوریه به شکلی رقم بخورد که بسیاری از کشورهای منطقه را درگیر کند. به عبارت دیگر می‌توان عنوان کرد زایمان سوریه راحت و آسان نیست. من معتقدم این زایمانی که امروز بر سوریه تحمیل شده نیز یک وضعیت طبیعی نیست و بیشتر شبیه سزارین است تا زایمان. در واقع شرایط به شکلی است که چالش‌های موجود در سوریه به شکلی جدی است که نمی‌توان شرایطی

مهم‌ترین عامل موفقیت سیاست خارجی یک کشور انسجام داخلی است و در شرایطی که این وضعیت در کشور وجود داشته باشد ما زودتر به اهداف خود می‌رسیم

را تصور کرد که ترکش‌های آن به کشورهای دیگر منطقه برخورد نکند. عراق به دلیل مرز مشترک زمینی که با سوریه دارد از شرایطی برخوردار است که ممکن است تحت تأثیر اتفاقات سوریه قرار بگیرد. این وضعیت ممکن است برای یمن نیز یا توجه به تنش‌هایی که با اسرائیل دارد وجود داشته باشد. ترکش‌های اتفاقات سوریه ممکن است به ایران نیز برخورد کند. روزنامه فایننشال تایمز در این زمینه مدعی شده که ایران به دلیل اینکه عمق راهبردی خود را در سوریه از دست داده ممکن است در برنامه اتمی و دکترین هسته‌ای خود تغییر ایجاد کند. من معتقدم ما باید مراقب زایش یا سزارینی که در سوریه رخ داده باشیم و تلاش کنیم که اثرات و تبعات به کمترین میزان خود برسد. من معتقدم ما باید مراقب زایش یا سزارینی که در سوریه رخ داده باشیم و تلاش کنیم که اثرات و تبعات به کمترین میزان خود برسد. بدون تردید در چنین شرایطی دیپلماسی نقش مهمی خواهد داشت. بعید نیست که سرمستی ناشی از پیروزی موقت در سوریه باعث ایجاد اشتباه محاسباتی شود. این در حالی است که در طول تاریخ جنگ‌ها بر اثر اشتباه محاسبات صورت گرفته و نه محاسبات درست. در شرایط کنونی مهم‌ترین مولفه بازاندگی افزایش انسجام ملی در داخل کشور است. این در حالی است که مهم‌ترین عامل موفقیت سیاست خارجی یک کشور انسجام داخلی است و در شرایطی که این وضعیت در کشور وجود داشته باشد ما زودتر به اهداف خود می‌رسیم.

◀ معادلات بین ایران و سوریه از این پس به چه سمتی خواهد رفت؟ از دست دادن جغرافیای استراتژیک سوریه چه تأثیری بر اهداف ایران در جبهه مقاومت خواهد داشت؟

به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی که سوریه دارد و اهداف و منافع بازیگران متعددی که در مسائل سوریه دخالت دارند، ما با سرزمینی ایزوله و ساده مواجه نیستیم و این احتمال وجود دارد که اتفاقات در سوریه به شکلی رقم بخورد که بسیاری از کشورهای منطقه را درگیر کند. به عبارت دیگر می‌توان عنوان کرد زایمان سوریه راحت و آسان نیست. من معتقدم این زایمانی که امروز بر سوریه تحمیل شده نیز یک وضعیت طبیعی نیست و بیشتر شبیه سزارین است تا زایمان. در واقع شرایط به شکلی است که چالش‌های موجود در سوریه به شکلی جدی است که نمی‌توان شرایطی

مرتنضی مکی:
خلاقدرت در سوریه
دامن‌گیر منطقه خواهد شد
اگر گروه‌های حاکم در سوریه، به ویژه در دمشق، نتوانند با کردها به توافق برسند، شاهد فضای تجزیه‌غیررسمی در سوریه خواهیم بود. مکی بیان کرد: از سوی دیگر، دولت ترکیه نمی‌خواهد اجازه دهد که کردها نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای در این زمینه ایفا کنند و اینجاست که تضاد منافع میان آمریکا و ترکیه نمایان می‌شود. قطعاً کسانی که از فضای خلا قدرت به دنبال پیشبرد اهداف سیاسی خود هستند، با تهدیدات جدی روبرو خواهند شد، هم آمریکایی‌ها،

سوریه دروازه‌ای برای ایران به سمت مدیترانه شرقی است. به همین دلیل یک ظرفیت ژئوپلیتیکی برای حمل و نقل نفت و گاز و... ایران به شمار می‌رود. با این وجود ما کمتر موفق شدیم با همراهی کشورهای تأثیرگذار دنیا مگا پروژه‌های مهمی را در این منطقه به نتیجه برسانیم. بخش مهمی از انرژی کشورهای اروپایی از خاورمیانه تأمین می‌شود و ایران می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد که تاکنون محقق نشده‌است. من معتقدم با توجه به شرایط موجود ما باید الگوی رفتاری جدیدی را در سوریه تعریف کنیم. سرزمین سوریه میدان مناسبی برای تحولات نظامی ایران نیست. حساسیت‌هایی که مردم سوریه نسبت به رژیم اسد داشتند و مشکلاتی که بین مردم و حکومت وجود داشت، باعث شده بود حکومت اسد مردم را از دست بدهد. رویکردی که اسد در حکومت خود دنبال می‌کرد فسادگره خورده یا خشونت بود و به همین دلیل نیز بود که مردم حاضر نبودند از چنین حکومتی حمایت کنند. اکنون که حکومت اسد سقوط کرده، مردم سوریه برخی کشورها را در پدید آمدن شرایط ناگوار سوریه مقصر می‌دانند. با این وجود آنچه برای ما اهمیت دارد مردم سوریه هستند و آرزو می‌کنیم مردم سوریه بتوانند در آینده در سایه یک حکومت خوب زندگی کنند. از سوی دیگر به دلیل نابودی زیرساخت‌های نظامی و دفاعی سوریه و سهولت دسترسی اسرائیل به این سرزمین، حضور نظامی در آن دیگر توجیه ندارد و برای اثرگذاری بر سوریه باید سراغ ابزارهای اقتصادی رفت. باید الگوی رفتاری خود را نسبت به سوریه تغییر بدهیم و به جای پیروی از یک الگوی نظامی به سمت الگوی اقتصادی حرکت کنیم. در واقع حضور ما در سوریه باید در راستای اهداف اقتصادی باشد.

◀ موفقیت ایران در محور مقاومت چگونه خواهد بود؟

جبهه مقاومت در واقع یک خودباوری برای کسب منافع ملی است و در سراسر منطقه گسترش یافته‌است. اینکه عنوان می‌شود گروه‌های جبهه مقاومت گروه‌های نیابتی ایران هستند صحیح نیست و کسانی که به چنین مسائلی دامن می‌زنند در حال تغییر دادن واقعیت هستند. ایران برای اینکه این گروه‌ها روی پای خود بایستند تا بتوانند منافع ملی خود را تأمین کنند به آنها کمک کرده است. در شرایط کنونی نیز هر کدام از این گروه‌ها دارای توانمندی‌هایی هستند که باید از این توانمندی‌ها در راستای منافع ملی خود استفاده کنند. موضوع محوری این گروه‌ها نیز فلسطین است. این در حالی است که تا زمانی که مسئله فلسطین حل نشود مسائل دیگر نیز حل نخواهد شد. حل شدن مسئله فلسطین نیز به این موضوع ارتباط پیدا می‌کند که رژیم صهیونیستی باید به حداقل‌های قطعنامه سازمان ملل و مورد نظر مردم فلسطین تن داده و دست از زیاده‌خواهی بردارد. ما نباید به شکلی رفتار کنیم که با راصلی این مشکلات روی دوش ایران باشد و بلکه باید از طریق دیپلماسی با کشورهای منطقه و جهان تلاش کنیم حقوق از دست رفته مردم فلسطین به آنها بازگردانده شود.

هم اسرائیلی‌ها هم ترکیه. اگر خلاقدرت در سوریه ادامه یابد، گروه‌هایی در این کشور شکل خواهند گرفت که می‌توانند عامل بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه شوند و تبعات آن دامن‌گیر تمامی کشورهای منطقه خواهد شد. به یاد داریم که در سال ۲۰۱۵، موجی از مهاجرت به سمت اروپا آغاز شد و این موج ممکن است بار دیگر دامن‌گیر کشورهای اروپایی شود. وی افزود: هنگامی که فضای قدرت در سوریه رامورد بررسی قرار می‌دهیم، قطعاً در میان گروه‌های مختلفی که در هیئت تحریر الشام دور هم جمع شده‌اند، برای نابودی اسد، یک وحدت و انسجام وجود داشته است. حال که اسد رفته، اگر نخواهند قدرت را بین خود تقسیم کنند، قطعاً اختلافات بروز خواهد کرد. نوع تفکر و اندیشه‌ای که محمد جولانی و دیگر گروه‌ها اهداف سیاسی خود هستند، با تهدیدات مسالمت‌آمیز چندان مطابقت ندارد.

یادداشت

برندسازی شهری



امیرحسین روان

مهندس معماری شهری

ممکن است تعجب‌کننده وقتی از برندسازی شهری سخن به میان می‌آید، زیرا ایده اصلی برای برندسازی یک شهر در عناصر موجود در شهر و طراحی آن نهفته است. در واقع، شهر چیزی است که خود را به بازدیدکنندگان، ساکنان و مهمانانش نشان می‌دهد. اغلب اینطور برمی‌آید که تصویر یک شهر از عناصر فرهنگی، اقتصادی و سایر عناصری که ارائه می‌دهد نشأت می‌گیرد. جالب است بدانید که مفهوم برندسازی شهری برای ارتباطات شهری فرآیندی سودمند و مفید خواهد بود تا بر همین اساس محبوبیت برندسازی مکان به خصوص برندسازی شهری به عنوان یک استراتژی برای افزایش رقابت شهرها، جهت بهبود کیفیت زندگی ساکنان و به نوبه خود برای برنامه‌ریزان و طراحان را ایجاد انگیزه کند. به همین دلیل، برنامه‌ریزان و طراحان باید درک کنند که چگونه برندسازی شهر خود را در محیط‌های مختلف شهری و اجتماعی نشان دهند. برای بهسازی و ایجاد فرآیند برندسازی بهتر است بدانیم چگونه می‌توانیم توسعه شهری را به بهترین نحو هدایت کنیم تا به شیوه‌ای پایدار تبدیل گردد و بنابراین یک برند شهری پایدار ایجاد کنیم؟ چگونه می‌توانیم در شهر، بین تصاویر ارائه شده و واقعیت، به «تناسق» برسیم؟ سوالانی از این دست نیاز است تا به درک نقش فعلی برندسازی شهری برسیم. ارتباط برنامه‌ریزی و طراحی شهری در ایجاد تصویر پیش‌بینی شده از یک شهر چیست؟ پاسخ به این سوال به درک پارامترهایی می‌رسد که یک برند خوب شهری را تعریف می‌کند که همان ساختار و الگوی کیفیت زندگی در آن مکان و آن شهر نهفته است. دیدگاه‌های مربوط به نقش و تأثیر بر طراحی، تصویر و هویت شهر و مطالعه مربوط به برندسازی شهری به پیشینه تاریخی و معماری و زیبایی و چشم‌اندازهای شهر مربوط است و به بیان ساده‌تر عناصر برندسازی شهری بشرح ذیل است: تاریخچه، شهرهایی که از دیرباز وجود داشته‌اند و هم‌اکنون نیز در میان شهرها قد علم کرده‌اند، تاریخ و فرهنگ غنی دارند. این شهرها محل رویدادهای بسیاری در طول تاریخ بوده‌اند که اهمیت زیادی دارند و حقیقت شهر از تاریخچه‌اش و اتفاقاتی که در طول سال‌ها بر آن گذشته مرانست. فرهنگ، فرهنگ یک شهر عامل دیگری است که هویت آن را می‌سازد. مردم، عادات و غذاهایی که می‌خورند نشان دهنده فرهنگ شهر است. چیزی که در نهایت این عناصر شهر را تعیین می‌کند این است که چگونه پارامترهای گوناگون آن اجازه می‌دهد تا خود را با هم وفق دهند و شهر راشکل دهند. یک شهر به عنوان یک طرح به خودی خود وجود ندارد. این کاربرن و تجربه‌ای که در آن شهر کسب می‌کنند است که به آن هویت می‌بخشد. از این رو محور تصویر برند مبتنی بر فرهنگ شهر در این عوامل نهفته است. معماری، ساختمان‌ها و سازه‌های شهر نشان دهنده معماری آن مکان و محدوده است. معماری شهر شامل طرح‌های ساختمان‌ها نیز می‌شود. در معنای لغوی آن، معماری «تصویر بصری» شهر را می‌سازد. بنابراین محیط ساخته شده، طرحی است از آنچه شهر می‌خواهد مردم‌شد در زندگی روزمره خود تجربه کنند و این زیبایی‌شناسی شهری در هر شهر متفاوت جلوه می‌کند. آب و هوا؛ آب و هوای یک شهر بر نحوه زندگی مردمان ساکن آن شهر تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، آب و هوای استوایی در برخی از نقاط جهان بر سبک زندگی مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند تأثیر می‌گذارد. این اغلب در مورد دادن یک برند گردشگری به شهر بسیار مهم است. شما افرادی از کشورهای سردسیر دارید که به دنبال فرار از گرما هستند و بالعکس. تطبیق این عنصر در فرآیند برندسازی می‌تواند این سرمایه‌گذاری هدفمند باشد. اقتصاد، منبع درآمد در یک شهر بر سبک زندگی افراد ساکن در آن شهر تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، کشاورزی اولین فعالیت اقتصادی در برخی از نقاط جهان است و یا از بعضی از شهرها با عنوان صنعتی یاد می‌شود. پس از فهرست کردن عناصر برندسازی شهری، درک چگونگی استفاده از آنها برای ایجاد تصویر یک برند هدفمند برای مجموعه شهری مذکور بسیار مهم است. برندسازی شهری نتیجه فرآیند ایجاد حس تعلق ساکنانی خواهد بود که جای پای برنامه‌ریزان شهری را در گوشه‌گوشه شهر حس می‌کنند و می‌کشند تا برند شهرشان را نامدار کنند. شهرهای معروف دائم‌دار تلاش هستند تا خود را به عنوان یک ایده جدید معرفی کنند و جایگاه خود را در اذهان عمومی تثبیت کنند و اولین قدم درک نیازهای ساکنان و بازدیدکنندگان آن شهر خواهد بود. این به توسعه شهر به گونه‌ای کمک می‌کند که نیازهای هر دو گروه از مردم را برطرف کند. همچنین توسعه چشم‌انداز بلندمدت برای شهر می‌تواند کمک زیادی به تقویت برند مناسب برای شهر کند. این چشم‌انداز بلندمدت را می‌توان با استفاده از نقاط قوت شهر و نیازهای ساکنان و بازدیدکنندگان توسعه داد.